

(مطبعه و اداره خانه)
(ده افغانان کابل)

سر دیر

سید محمد قاسم

همه امورات تحریریه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات

وارده مختار است

در هر هفته یکبار نشر میشود

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود

دین جریده از هر کونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

(قیمت سالیانه)

ازوزرا و اعیان دولت بقدر

معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب ختاهای ملی

و معاونین و وقایع نیکاران (فخری)

رایگان

از عموم خریداران در داخله

(۱۲) روپیه کابلی در خارجه

نیم بوند انگلیسی با محصول پوست

از طلاب و محصلین نصف قیمت

شما

داخله خارجه

(۸) روپیه (۷) شلنگ

امان افغان

۷ ۳ ۳ ۶ ع

از ابنای وطن هر که اهل دیده شد بدون خاهش

جریده برایش فرستاده میشود

قیمت يك شماره يك عباسی

تاریخ شمسی (۱۵) حوت ۱۳۰۲ هجری

(۵ شنبه)

تاریخ قمری (۹) شعبان المعظم (۱۳۴۳) هجری

(مطالعات و افکار)

از مسائل اقتصادی

گمرک و تعرفه های گمرکی

مجله (فرنگستان) در نمره (۵) خود راجع به گمرک
و تعرفه های گمرکی پاره معلومات اصولی و اصطلاحی نوشته
است برای آگاهی کسانی که باین امور ربط و علاقه
دارند از اینجا در اینجا نقل شد :

گمرک عبارت از حق است که دول از مال التجاره که از
سرحد آنها عبور میکنند در یافت میدارند. و چون عبور مال
التجاره پیش از سه حال ندارد : صادرات ، واردات و (ترانزیت)
این حق نیز ممکن است سه صورت داشته باشد . دریافت حق
گمرک از دوحده خارج نیست یا اینکه نقطه نظر دولت فقط
کسب عایدی است در این صورت این قسم گمرک گمرک مالیاتی
نامیده میشود . یا اینکه دولت يك مقصود اقتصادی داشته سیاست
تجارتی او . او را وادار بگرفتن این حق میکند . گمرک در
طریقه اول معمولاً از اجناسی گرفته میشود که در داخله مملکت
عمل نیامده از خارچ خریده میشود مثلاً در اروپا از قهوه .
چای ، (کاکائو) این شق در سیاست تجارتی دول هیچ وجه قابل
توجه نبوده و يك جنبه کاملاً مالیاتی دارد ، ولی گمرک قسم
دوم دارای اهمیت زیادی بوده در زندگی اقتصادی ممالک
فوق العاده مؤثر است . از این روم این شق را مورد بحث
قرار داده باطلاع میرسانم .

همان قسم که در فوق ذکر شد گمرک یا از صادرات گرفته
میشود یا از واردات و یا اینکه گمرک (ترانزیت) است مهمتر این سه
قسم گمرک بر واردات است . گمرک از اشیاء صادره خیلی کم
و بندرت دیده میشود و در ممالک ماوراء بحار تقریباً در حکم
گمرک مالیاتی است و این دول از این راه بطور غیر مستقیم
دول دیگر را برای نفع خود مجبور به تادیه مالیات میکنند .
مثلاً دولت (برازیل) از قهوه گمرک صادرات در یافت میکند
و چون دول اروپا ناگزیر از خرید قهوه هستند از اینرو نفع
بزرگی عاید دولت برازیل میشود . گاهی هم اتفاق می افتد که
گمرک از صادرات در اقتصاد مملکت مؤثر واقع می شود ، و این
در موقعیست که دول در داخله خود محتاج بمواد خام بوده
و باین وسیله مانع از آن میشوند که مواد خام مزبور از مملکت
خارج شود مثلاً در هندوستان چون احتیاج فوق العاده به
« ژوت » (۱) برای پارچه بافی هست در موقع خروج این نبات
از مملکت گمرک فوق العاده سنگینی اخذ میشود . یا اینکه مالکی
که دارای کارخانه کاغذ سازی هستند از خروج پارچه های
کهنه آحدی بواسطه گمرک .
ممانعت میکند . این مقصود اگر چه ممکن است بواسطه قدغن
نیز حاصل شود ولی از اوایل قرون حاضر بعد در تاریخ اقتصاد
دول کمتر از اینگونه اقدامات دیده میشود . چه دول تمدنه دنیا
امروز تا حدی آزادی تجارت را شناخته اند و باین وسیله تقریباً
عموم اجناس در کمال آزادی میتوانند در بازار های دنیا خرید
و فروش شوند منتها همان قسم که ذکر شد در موقع لزوم
(۱) الیاف نباتی است موسوم که در هندوستان بعمل می آید .

بواسطه وضع گمرک صادرات این آزادی را تاحدی محدود میکنند ، بنابر این قدغن ورودی خروج جنس در پاتیک تجاری دولتی برخلاف سابق امروزه دارای اهمیت فوق العاده نیست و فقط سیاست اداری یا حفظ الصحة ممالک رول مخصوصی بازی میکنند ، مثلاً در دسامبر ۱۸۹۱ در آلمان ، اطریش هگری ، ایتالی ، بلژیک و سویس بواسطه عهد نامه متعهد شدند که تجارت را بهیچ وجه بواسطه قدغن عبور ، خروج یا دخول لطمه دار نکنند و فقط در مواقع معینی این حق را برای خود حفظ کردند : (۱) در موضوع اجناسی که در حین انعقاد عهد نامه انحصار بدولت داشته یا بعد خرید و فروش آن منحصر بدولت خواهد شد . (۲) از نقطه نظر حفظ الصحة اشخاص و حیوانات اهلی . (۳) در مواقع فوق العاده مثلاً جنگ . قدغن خارج شدن مال التجاره در بعضی مواقع نیز دیده میشود و این در موقعی است که داخله مملکت احتیاج فریق العاده بآن داشته از خروج آن ممانعت میکند مثلاً در موقع قحطی از خروج غلات و مواد غذایی ، یا در خشکسالی از خروج علوفه حیوانات در موقع جنگ بین الملل قدغن خروج و دخول و عبور اشیاء کسب اهمیت فوق العاده کرده و اثرات آن هنوز در تمام دول محسوس است .

عوارض گمرک باید از روی مقیاس معینی دریافت شود در این صورت دو راه پیش در بین نیست یا اینکه قیمت جنس وارده که باید گمرک شود مقیاس قرار داده شده و یک میزان معینی در صد از قیمت آن اخذ میشود ، مثلاً قانون اخیر انگلیس (اوت ۱۹۲۴) مال التجاره وارده از آلمان را (۲۶) فی صد گمرک میکند یعنی اگر مال التجاره وارده ۱۰۰ لیره قیمت داشته باشد مأمورین انگلیس ۲۶ لیره در موقع ورود آن دریافت میکنند . یا اینکه یک عوارض قطعی غیر قابل تئیری معین شده مقیاس آن جنس وزن یا قطعه مال التجاره است طریقه اول (گمرک قیسی) و طریقه دوم (گمرک جنسی) نامیده میشود .

طریقه اول یعنی گمرک قیسی بهترین راه است اگر ممکن بود که قیمت اشیاء وارده را از روی قطع معین کرد چه در این صورت ممکن است تمام اشیاء وارده را فرد فرد تحت نظر قرار داده آنها را نسبت به قیمت شان گمرک نمود اما همان قسم که یافت کر تعیین قیمت مال التجاره تولید اشالاتی نموده است ، خیلی از علما را عقیده اینست که قیمت مملکتی را که جنس در آن تولید شده باید مأخذ قرار داد در صوریکه دسته دیگر عکس این را معتقدند و میگویند باید قیمت جنس را در مملکتیکه در آن فروش میرسد توجه نمود حال آنکه دسته نالی میگویند یکی از این دو قیمت بعلاوه کرایه حمل و نقل ، بیه

و حق از حجه دلالتها . بر فرض اینکه یکی از این سه طریقه را مأخذ قرار دهیم مشکلی دیگر پیش میآید و آن اینست که قیمت جنس در موقع (فروش کل) یا (فروش جزئی) ولی بطور عموم طریقه رایبی را مأخذ قرار میدهند . یعنی تعیین قیمت را بعهد فرشته و اگذاشته ضمناً قیمت جنس را از مملکتی که از آن خارج شده نیز توجه میکنند . در بعضی از ممالک مأمورین گمرک و اهل خبره محق هستند شخصاً قیسی برای جنس معین کنند ، ولی این طریقه مشکل و غیر عملی و از طرفی کاملاً دور از انصاف است . از دول معظمه تنها دولتی که این طریقه را تاکنون حفظ کرده دولت آنازونی است .

در طریقه دوم یعنی گمرک جنسی قیمت بهیچ وجه مورد توجه واقع نشده چگونگی و نتایج تجارت خارجی مال التجاره مقیاس عوارض گمرک می شود . اما در این طریقه نیز قدری (فرم) شده قیمت اشیاء را تاحدی توجه کرده و اختلافی بین مال التجاره ها قائل میشوند مثلاً اجناس را بدستجات مختلفه در حدود نوع معین تقسیم میکنند از قبیل مواد خام ، مواد نیمه کار شده و مواد تمام کار شده . علاوه بر این بکاری که برای تولید جنس استعمال شده نیز توجه نموده از این حیث نیز تمایزی بین اشیاء قائل میشوند بالاخره بیک حاصل میزه دیگری نیز توجه شده و آن چگونگی جنس است .

نظر باینکه گمرک عامل مهم پیش بردن سیاست تجاری دولی است لهذا باید در موقع وضع آن یک اصل اساسی مهمی مأخذ قرار داده شود از جمله مقصود از وضع گمرک حفظ صنعت داخلی یا فلاحه یا کارهای ملی باشد ، مثلاً چنان که میدانیم صنعت رنگ سازی آلمان معروف و خیلی مهم است چون صنعت رنگ سازی انگلیس خیلی جوان و قابل رقابت بار نکهای وارد از آلمان حتی در بازارهای خود انگلیس نیست دولت انگلیس برای حفظ صنعت رنگ سازی خود بموجب قانون (۲۵) فوریه (۱۹۱۹) ورود مواد مستخرجه از زغال بخصوص رنگ را قدغن کرده است . قانون مذکور میگوید ، « از تاریخ تصویب این قانون ورود مواد ذیل بداخله مملکت قدغن است تمام اجناس مستخرجه از زغال که بجای رنگ استعمال میشوند یا اینکه بعدها تبدیل رنگ میشوند و تمام موادیکه برای رنگ کردن بشم یابنه بکار رده میشوند . ورود اجناس مذکور در صورتی آزاد است که اجازه مخصوصی از طرف حکومت در خصوص داده شود وقتی یک چنین اصلی مأخذ وضع گمرک قرار داده شود دولت دارای یک سیستم گمرکی است . جمع و تدوین قوانین مختلفه (برای باقی در صفحه ه ستون اول مراجعت شود)

بجضور شاهانه

تشریف « کانداتور اتونو کای کیونی ،
(وزیر مختار دولت بهی ایتالیا به دربار کابل)

سال گذشته « کانداتور مارکی گاتانو پانزودی مانسی دی بلیسی ، وزیر مختار و نماینده فوق العاده دولت بهی ایتالیا به دربار کابل به ایتالیا مراجعت نموده قرار تصویب دولت متبوعه خویش به ماموریت دیگری مقرر گردید و عوض او یک نفر دیگر بوزارت مختاری دولت پادشاهی ایتالیا به دولت عایه افزایه مقرر یافت ولی از تصادفات قضائی مشارالیه در بین یک شب فوت شد و عوض او یک نفر دیگر تعیین گردید برای او هم کدام عارضه پیش آمد و نتوانست وارد کابل بشود . در این اواخر « کانداتور اتونو کای کیونی ، که قریب (۳۰) سال عمر دارد و مدت درازی در مستعمرات افریقائی ایتالیا گذرانیده ، و چند ماه قبل به خدمت « قونسل جزائی » دولت خویش به کلکته مقرر شده بود و در فنون اقتصادی و تجارت مهارت دارد . به وزیر مختاری و نماینده گئی فوق العاده دولت بهی ایتالیا به دربار پادشاهی کابل مقرر گردیده به تاریخ (۱۶) جدی وارد کابل گشتند و به روز سه شنبه (۲۲) دلو حسب اصول مقرر تشریفاتی بحضور شاهانه مشرف گردیدند ، پس از ایضای مراسم احترام نطق ایراد نمودند که ترجمه اش قرار ذیل است :

نطق وزیر مختار ایتالی

اعلیحضرتنا ،

بنهایت احترام از حضور همیونی اجازت میطلبم تا نامه های را که بآنها اعلیحضرت متبوعم بماموریت « کانداتور مارکی گاتانو پانزودی مانسی دی بلیسی » وزیر مختار و نماینده فوق العاده این دربار شاهی خاتمه بخشیده و از مراجع ذات همیونی نسبت بنامبرده در مدت اقامتش درین مملکت تشکر نموده تقدیم دارم . در یکی از نطق هائی که جدیداً راجع سیاست خارجی ایتالیا جناب اجل رئیس الوزراء و وزیر خارجه ایراد مینمود در ضمن اظهار خشنودی از حسن روابط وسیع و ممتاز با دول خارجی بمناسبت قلبی موجوده بین ایتالیا و افغانستان اشاره کردند .

برین جبهه من فوق العاده مفتخر و مشغوفم که در بنوقت نماینده مملکت ایتالیا درین دربار شاهی انتخاب شده ام . من با کمال خوشوقتی شنیده ام که روح باشا و خصائل کرمه و تند افغان ها اکثر با روح و صفات ایتالیائیها شباهت

کلی دارد و قطع دارم که این خصوصیات طبعی پیشرفت مساعی ماموریت عالی من را درین مملکت که عقیده دارم بسیاری مناسبت نژادی و تاریخی با وطن من دارد تسهیل خواهد نمود امید واثق دارم که شخصاً بجلب عنایات اعلیحضرت نائل گردیده و با یک روح پاک و قوی آن اعلیحضرت را مطمئن میگردانم که تمام فعالیت من در اطراف تشدید روابط قلبی و دوستی خالصانه موجوده بین ایتالیا و افغانستان تمرکز خواهد یافت و امید دارم که استظهارات حکومت آن اعلیحضرت هم که میدانم همین مقصد را مد نظر دارند برای من بهترین و بزرگترین کمک و معاون باشد .

باراده اعلیحضرت متبوع و حکومت آرزومند سعادت و محبت آن اعلیحضرت و خانواده سلطنتیست هم چنین عظمت سلطنت آن اعلیحضرت و ترقی ملت با افتخار افغان را مسئلت مینماید .

باین احساسات ، این آرزوها و این نیت افتخار دارم که نامه های برقراری خویش را بسمت نمایندگی اعلیحضرت متبوع مفخّم باین دربار شاهی بحضور اعلیحضرت معظم غازی تقدیم دارم .

پس از ختم نطق او حضور شاهانه کلمات ذیل را بجواب او ارشاد فرمودند .

جواب شاهانه

جناب سفیر

از ماموریت شما به سمت سفارت و نمایندگی افغانستان خوشوقت هستم و اعتقاد نامه های شما را بکمال خواهش و شفقت قبول مینماید ، امید قوی است که از عقیدات حسنه شما مناسبت دوستانه خالصانه دولت افغانستان و دولت ایتالیا برقرار و در تریاید باشد .

من از اشاره که جناب رئیس الوزرائی دولت دوست ما ایتالیا در یکی از نطق های خود در مناسبت قلبی افغانستان و ایتالیا ایراد فرموده اند بسی خورسند شدم افغانستان ایتالیا را که اولتر مناسبت دوستی خود را با ما قائم نموده بنظر خیلی عواطف و محبت می بیند و همیشه آرزو مند تقویت ارتباط و مناسبت دوستی آن دولت بوده سلطنت اعلیحضرت پادشاهی را با عظمت و ترقی میجوهد .

شمارا اطمینان میدهم که خیلی مائل هستم تا دوستی و روابط قلبی افغانستان و ایتالیا خلل ناپذیر باشد و یوماً فیوماً استحکام گیرد ، امید میکنم که اعلیحضرت پادشاهی و خانواده سلطنتی شان همیشه با سعادت و صحت باشند .

برق در بدن

هرگاه در روی سطحی که از آهن، ساروج، آهن ویا یکی از اجسامی که هادی الکتریسته میباشد ایستاده انگشتان را به قطبهای دو مقبول فلزی یک چراغ الکتریک زینیم یک لطمه الکتریک در بدن خود حس خواهیم کرد که در نتیجه زیاد بودن جریان وزنی مورت مرک میگردد.

در بدو نظر تصور خواهیم نمود که ازدیاد جریان الکتریکی تنها عات کثرت خطر میباشد، ولی تجربه های چندی از طرف علماء عکس این قضیه را ثابت نموده نشان داد که فقط مقدار قوه جریان الکتریک چندان دخیل نبوده بلکه عوامل دیگری هم در این قضیه مؤثر واقع میشود. و اغلب اتفاق افتاده است که یک جریان الکتریک ضعیفتری سبب مرگ شده در صورتیکه جریان شدیدتری صدمه نرسانیده است.

جریانهای الکتریکی شدید سبب میشوند که قلب انسانی یک دفعه از حرکت افتاده مجرای تنفس کار نکند و تا مدتی که این جریان در بدن مداومت دارد انسان مثل مرده افتاده همینکه جریان الکتریک قطع شد عمل تنفس دو باره بحالت اصلی بر میگردد. و هرگاه جریان دو یا چند دقیقه مداومت کند انسان خفه شده میمیرد. و گاهی این جریانات صدمه نرسانده اند.

سطحی که روی آن ایستاده ایم دخالت زیادی در اثرات جریانات الکتریک دارد. هر اندازه که سطح صافتر باشد خطر زیادتر میگردد. اجسامی که در درجه اول هادی الکتریک هستند از قبیل ساروج و بعضی فلزات صدمه را بیشتر میکنند. در فایزیکها اغلب بواسطه وزن ماشینها مجبور هستند که ته کار خانه را از سنگ یا ساروج درست کنند و هر سالی در این قبیل کار خانهجات عده زیادی در نتیجه بی احتیاطی هلاک میشوند سال اخیر در المان تقریباً (۱۶۰) نفر هلاک شد و برای جلوگیری از این خطر اغلب کارخانهجات سطح زمین را با صافحه های چوبی مفروش کرده اند که بکلی عایق الکتریک بوده مانع تولید این قبیل مخاطرات میگردد.

همچنین آن قسمتی از بدن که با جریان الکتریک تماس میکند در ظهور آثار الکتریک اهمیت دارد. ناخن انگشتان را به مقبول های برزی چراغ الکتریک نزدیک کنید خیلی جزئی ویا اینکه ابدأ حس الکتریک نخواهد کرد. زبان از همه قسمت بدن زیادتر هادی الکتریک است. انگشتان را ترک کنید الکتریک زودتر به سایر قسمتهای بدن نفوذ خواهد کرد. (امواج الکتریکی در آب سریعتر سیر میکنند.)

وضعیت و محل قوه الکتریک در یک ماشین هم در اثرات جریان دخیل است. وقتی که انسان در یک سطح همواری بایستد، یک قطب ماشین الکتریک در زمین باشد، جریان الکتریک

فی الفور در تمام بدن سیر میکند. بالعکس اگر قطب ماشین الکتریک در وسط ویا قسمت دیگر ماشین تمرکز یافته باشد سرعت سیر جریانات خیلی کمتر خواهد بود، مدت سیر جریانات الکتریک در بدن هر قدر زیادتر باشد مهاکتر خواهد بود. جریاناتی که کوتاه و مدت جزئی ادامه مییابند چندان صدمه وارد نیاورده بالعکس آنها که امتداد مییابند مهالک هستند.

جریانهای خیلی شدید بواسطه حرارت فوق العاده که وارد میآورند بدن را فی الفور میسوزانند. و اگر مقدار جریان کمتر باشد سبب پهبوشی میگردد. و تا مدتی که جریان قطع نگردیده است بهمان حالت پهبوشی باقی میماند. خیلی اتفاق میافتد که شخصی الکتریک زده قادر به تکلم چند ثانیه بوده. ویا اینکه چند قدم راه رفته بحالت غش افتاده است.

بالاخره در اشخاص الکتریک زده و پهبوش افتاده که جهاز تنفس و قلاب کار نمیکند نباید در مرگ آنها حکم کرد. زیرا اغلب دیده شده است که مدت پهبوشی چند ساعت بلکه یک یا دو روزی طول کشیده است. اولین کسی که برای شخص الکتریک زده باید کرد اینست که بدون تعویض وقت اکسیژن مصنوعی به ریه های او داخل کنند و دستها و پاها را حرکت دهند تا کلیه بدن باز تنفس طبیعی را شروع کند. و باید این عملیات را خیلی بسرعت انجام دهند زیرا در این موقع هر یک ثانیه ممکن است باعث زندگی یا مرگ شخص گردد.

یکی از امته طبیعی آثار جریان الکتریک در بدن اثر برق است. و سایر آنچه گفتیم چون جریان الکتریک یکی برق سریع و شدید است خطر ناک واقع میشود. و همین جهت است که در شهر های بزرگ عمارات و ساختمان هارا بتوسط (میل) های برقگیر از این خطر محفوظ میدارند.

با این حال میتوان از آثار الکتریک در بدن استفاده نمود، و با وجود تمام این مخاطرات بشر بکمک علم موفق شده است که جریان الکتریک را بکار انداخته از این سم مهالک داروهای شفای بسیار مفیدی تولید کند مثلاً چون جریان بالنسبه ضعیف الکتریک در بدن باعث پهبوشی شخص میشود، لذا آراد معالجات طبی بجای (کلرفرم) بعنوان پهبوش کننده استعمال می کنند و علاوه بر این بانکه الکتریک خود باعث فلج شدن بعضی از اعضای میگردد از برای معالجه اعضای فلج شده استعمال میکنند. و بالاخره اگر در تحت شرایط معینه جریان الکتریک در بدن بکار برده شود نتایج مفیده زیاد خواهد داد. مثلاً بتوسط این عضلات ضعیف را قویتر کرده اعضای از کار افتاده را بکار میاندازند.

برلن ۲۲ اوت ۱۹۲۴

از مجله (فرنگستان)

پنجم و هاب مشیری

گمرکی و در آوردن آن بیک صورت واحد (تعرفه گمرکی) نامیده میشود اگر تعرفه مزبور از طرف قوه مقتنه داخلی وضع شده باشد موسوم است به تعرفه (مستقل) و اگر تعرفه گمرکی نتیجه عهد نامه ها و قرار داد های خاصی با دول خارج باشد این قبیل تعرفه را (تعرفه قرار دادی) مینامند و اگر یک دولتی نسبت به یک عده از دول خارجی تعرفه قرار دادی داشته و با دول دیگر تعرفه مستقل مجموع این طریقه را (تعرفه عمومی) مینامند و اگر یک دولتی مقررات معاهدات خود را با تعرفه مستقل خود مخلوط کرده و آن مقررات را نسبت بسایر دول نیز کار بندد این تعرفه را (تعرفه متحد) نامند تعرفه های قرار دادی همان قسم که از اسم آنها مستفاد میشود نتیجه قرار داد ها و عهد نامه هایست که دول بایکدیگر دارند و این در صورتیست که دول منافعی برای خود فرض کرده یا اینکه با اطلاع بضرر، مجبور بشوند آن هستند. (مثلاً دولت ایران در عهد نامه ترکان چای) در این موقع بعضی از دول برای اینکه ضرر های وارده از معاهدات بسایر دول را جبران کنند دو تعرفه گمرکی برای خود وضع میکنند یکی (تعرفه حد اکثر) برای دولی که قرار دادی با آنها ندارند و یکی (تعرفه حد اقل) که مفاد آن قبلاً بواسطه معاهدات معین شده اما این قبیل تعرفه ها دارای مضار فوق العاده بوده باعث تحریک حس خصومت سایر دول میشود.

بعضی از دول در تعرفه های گمرکی خود برای مال التجاره های هم نوع اختلاقی قائل شده اند بموجب این تعرفه ها اجناس وارده از بعض ممالک کمتر مورد عوارض گمرکی میشوند مثلاً مستعمرات اجناس وارده از مملکت مادری را کمتر گمرک میکنند تا همان جنس را در صورتیکه از سایر ممالک وارد شده باشد هم چنین دول اجناس محموله از مستعمرات را و مال التجاره هاییکه با کشتیهای خود شان حمل شده است. دولت فرانسه بموجب قانون گمرکی ۱۸۹۲ مال التجاره که از مستعمرات وارد شده اند و اشیا که مستقیماً از محل تولید (بدون عبور از یک مملکت ناک) فرستاده شده اند کمتر گمرک میکنند و دولت اتانزونی نیز بموجب قانون گمرکی (۱۸۹۷) برای اشیا که بطور غیر مستقیم وارد شده اند (۱۰۰) فی (۱۰۰) اضافه حق گمرکی دریافت میکنند. این قسم تعرفه های گمرکی گاهی نیز برای خصومت و دشمنی بکار برده میشود و این در صورتی است که نسبت به مال التجاره یک دولت در مملکت دیگری بد رفتاری بشود.

برلن ۲۲ اوت ۱۹۲۴

غلام حسین فروهر

ادبیات

کیست آن کس که راه وطن از سر گذرد
هیچ کس! بلکه کسی نیست که ز زر گذرد
ریش بر عارض بسیار کسان رسته ولی
مرد آنسکه از ایض و احمر گذرد
اندرین عصر، کسی گر گذرد از ز روسیم
همچنانست که بازی ز کبوتر گذرد
خوش بود گر گذرد در دل دو لتمدان
آنچه اندر دل بیچاره مضطر گذرد
خرم آنرز که در ظل امان است و کمال!
فرخ آن عمر که در خدمت کشور گذرد
بست، طبی که با ضرار کسان خوش باشد
زشت! عمری که به آزار برادر گذرد
مدبر، آن تشنه که سرچشمه حیوان پند
وانگهی دیده و دانسته از آن در گذرد
این چه سراسر است؟ که قانون نتوانسته هنوز
به مقام عمل از کاغذ و دفتر گذرد
دو ستان پهبهرانند ز حال دل ما
و آنچه مارا بسر از گردش اختر گذرد
آنکه آزاد بود کسی تواند دانست
که چه در حبس غزان بر سر سنجر گذرد
روزی آید که حساب همگی را نکشد
این رسن عاقبت الامر ز خنجر گذرد
آب اگر چند کوارنده و شیرین باشد
بکشد نیز بلا شبه گراز سر گذرد
قیمت مرد بزم است و همت که بر اوج
مرد، با عزم قوی مرغ، بشهر گذرد
بهشت اربود خر، هوش جو باشد
زانکه نتواند ازین مرنبه بر تر گذرد
اینجهان سایه ابر است بدان غره ماش
دور دارا چو گذشت آن سکندر گذرد
عاقبت ساحل این لجه پدیدار آید
کشتی عمر اگر چند بلندگر گذرد
ای قلم قافیه پیش آرو ز تکرار مترس
صحبت قد همان به که مکرر گذرد
(سید حسن طبسی از شعرای ایران)

* آخرین اخبار گره مریخ *

از کامیل فلاماریون

۱

کامیل فلاماریون نویسنده و منجم معروف فرانسوی کسی است که دنیای تمدن بر از اسم او است. این عالم شهیر که امسال به هشتاد سالگی رسیده است مدتهاست که مسائل معضله نجوم را بوسیله قلم توانا و عبارات شیوای خود در اذهان مردم وارد کرده است. فلاماریون تنها منجم مطلع نیست بلکه نویسنده قادر هم است. موضوع مواجهه مریخ با زمین قریب به دو ماه است که در محافل علمی دنیا طرح شده و واضح است که هیچ کس بهتر از فلاماریون نمی تواند این موضوع را به پروراند، زیرا که هم منجم معروف و هم نویسنده زبردست است. همین جهت مقاله که استاد مزبور درین موضوع نوشته و در یکماه قبل در مجلات پاریس انتشار یافته اکنون ما از این شماره بر انتشار ترجمه آن شروع می کنیم همانطور که در همه ممالک دنیا انظار خوانندگان را جلب خواهد کرد یقین داریم که قارئین ما را متوجه خواهد ساخت و یکی از بهترین ارمغان های ما خواهد بود.

ستاره مریخ اخیراً از نزدیک مرحله زمین عبور کرده است. این منتهای نزدیکی است که فقط در هر قرن یک بار اتفاق می افتد تنها موقعی است که بدست منجمین عالم افتاده است. و این مشاهدات نتایج فراوان در بر داشته. همین جهت استاد کامیل فلاماریون متخصص معروف مشاهدات ستاره مریخ اخیراً باز اطلاعات ما را از حیث مشاهدات دور بینی نسبت به کوکبی که خواهر زمین است اضافه کرده. مدیر معروف رصد خانه (ژو وری) بموجب تقاضای اداره مجله ما لطف کرده حالت فعلی این موضوع را همان طور که بوسیله مشاهدات آسمانی اخیر به آخرین مراحل علمی رسید توضیح داده است. در نظر مسیو کامیل فلاماریون مطالعات نجومی برخلاف هر گونه سردی و لاتیجی است و او این مطالعات را یک قانون غیر قابل قیاس از وجد و سرور می داند و در نظر او اندازه گیری آسمان (نجوم) بایک صنعت شاعرانه افلاک مرادف است و بالاخره او هر کس را که دارای قوه متفکره میباشد دعوت می کند که نسبت به مناظر این ساعات شب بی قید نمانند زیرا که درین موقع ناظرین چشم بر آسمان می دوزند و سعی میکنند که برده اسرار را بشکافند و از آن کوکب سرخ رنگ که از ماوراء (۵۵) الی (۷۰) میلیون کیلومتر مسافت واقع شده است رازهای او را بیرونند. منظره عالم از این به بعد نه فقط با چشم بدن باید دیده شود

بلکه مخصوصاً با چشم روح نیز باید تکریسته گردد این منظره را باید از حقایق آن دیده و نه از ظواهر آن. زمینی که گرد آن ما زندگی می کنیم یک کلوله است که در فضای غلغلد بازوهای غیر مریخ شمس آترا در مسافت (۱۴۹) میلیون کیلومتر نگاه داشته. آترا دوما به حرکات سالیانه دور خود می گرداند و در فضای وسیع بدنبال خود می کشد بطوری که از زمان پیدایش زمین سیاره ما هرگز از یک راه دو بار نگذشته و متدرجاً جهت سیر خود را تغییر داده است سایر ستاره های سلسله شمسی ما یعنی عطارد وزهره و مریخ و مشتری و زحل و اورانوس و نپتون و غیره مثل ستاره ما بدور همان خورشید جلب می شیند و به دایره های که پیش از پیش وسیع و کم از کم سریع می باشند می گردند. دایره عطارد که نزدیک ترین دایره شمس است روزی چهار میلیون کیلومتر سرعت دارد. سرعت زمین روزی (۲۶۷۵۰۶۰۰۰) کیلومتر، سرعت نپتون که دور ترین و بیضی ترین کواکب است روزی (۶۶۴۶۰۰۰) کیلومتر می باشد. همین جهت است که منظره آسمان ستاره دار را باید روح ما درک کند و در ضمن هم باید وضعیت خود را در سلسله شمس بدانیم، همه راه می روند همه حرکت نمی کنند همه در جنبش هستند و هر ستاره خورشیدی است که سلسله خود را در میان فضای لایتناهی دنبال خود می کشد.

پس ما باید بادیدگان روح خود این کلوله غلطان خود را به بنیم، خانواده ستاره خود، تمام شمس فضا را که دنبال آنها سلسله های آنها است به شناسیم، تمام ملیونها شمس و کوکب را که در طول راه های مریخ آسمان مشغول دویدن هستند و قوانین نقل آنها را بسوی سرنوشت های نامعلوم در پیرامون فضای لایتناهی عظیم می کشند اوضاع تمام آنها را بدانیم در همین زمان همسایه ما کره مریخ متدرجاً تغییرات مختلف اشکال خود را در خط سیر انظار ما مریخ میسازد نواحی آن که آفتاب صبح آنها را روشن می سازد و فی المثل دریای شن زار کره مریخ که دماغه خود را بطرف شمال معطف میدارد و پس از آن دریای سیلنوس سائوس (یکی از دریا های کره مریخ) و بعد خلیج نصف النهار، و بعد خلیج مروارید های رودسند (رود کره مریخ) واقع شده اند دیده می شوند متدرجاً حرکت و ضعی این ارض مجاور نواحی مختلف آترا عرضه می دارند مثل این که منجمی به پند که در آسمان بتدریج ژاپون و چین و تبت و ایران و ترکیه و اطیش و المان و فرانسه و اقیانوس اطلس و امریکا در موقع تماشای ستاره ما که در هوا معلق است از مقابل انظار او میگذرند.

(از روزنامه ایران - باقی دارد)